

مجله اقتصادی

شماره‌های ۹ و ۱۰، آذر و دی ۱۳۹۹، صفحات ۱۶۱-۱۳۷

ارزیابی راهبردی سیاست‌های تجاری جمهوری اسلامی ایران در شرایط تحریم مالی

کریم آذربایجانی

استاد اقتصاد دانشگاه اصفهان
azarbaieyani@yahoo.co.in

علیرضا حاج ناصری

دانشجوی دکتری دانشگاه اصفهان
aseman277@chmail.ir

انقلاب اسلامی در مسیر حرکت تاریخی خود، به سوی تمدن سازی در حرکت است و اکنون در گذرگاه اقتصادی قرار دارد. سیاست‌های تجاری یکی از برنامه‌های مهم اقتصادی کشورها به شمار می‌آید و مطابق با آمارهای رسمی منتشرشده، سالیانه درآمد زیادی در نتیجه تدوین سیاست‌های درست تجاری، عاید کشورها می‌شود. بنابراین دولت‌ها و نخبگان جامعه می‌توانند با فراهم آوردن شرایط مقتضی اصول، فرهنگ و جغرافیای خود و با تکیه بر مزیت‌های موجود و ظرفیت‌های خلق مزیت، نقش بسزایی در افزایش درآمد حاصل از آن داشته باشند. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع، درک نقاط قوت و ضعف موجود و فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی کشور در جهت تدوین سیاست‌های تجاری ضرورت می‌یابد. مقاله حاضر تدوین سیاست‌های تجاری جمهوری اسلامی ایران با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی از نوع پیمایشی، مطالعاتی میدانی و تعیین نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات به شیوه SWOT راهبردهایی در جهت بهبود فضای تجاری در شرایط خاص تحریم مالی و جنگ اقتصادی ارائه می‌دهد. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که در اقتصاد و تجارت جمهوری اسلامی ایران نقاط ضعف موجود بر نقاط قوت و همچنین فرصت‌ها بر تهدیدات غلبه دارند و برای قرار گرفتن در مسیر رشد پایدار ضرورت دارد با بهره‌گیری از فرصت‌های پیش‌رو، می‌توان راهبردی اتخاذ نمود که نقاط ضعف را کاهش داده و با تکیه بر اصول و ارزش‌های حاکم بر اقتصاد اسلامی و سند بالادستی اقتصاد مقاومتی، قدم‌های مهمی در توانمندی اقتصاد و رقابت با سایر کشورها برداشت. همچنین نتایج بیانگر این مطلب نیز هست که استراتژی‌های محافظه کارانه در اولویت است.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، سیاست تجاری، تحریم مالی، جنگ اقتصادی، مدل SWOT

۱. مقدمه

نقش تجارت در پیشرفت و رشد اقتصادی از مباحث مهمی است که افکار بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی را به خود مشغول کرده است و هر یک از زوایای خاصی به مسئله توجه نموده و نظریاتی را ارائه داده‌اند. به‌ویژه زمانی که تحلیل‌ها به کشورهای در حال توسعه تعمیم می‌یابد، موضوع جدی‌تر جلوه کرده و کنکاش در آن بیشتر می‌گردد. دنیای جدید در قرن جاری با تجربه الگوهای تجاری گوناگون توسط کشورها برای حداکثر ساختن منافع خود همراه بوده است. تا جایی که حتی امریکا که ساختارهای تجارت آزاد را در جهان به عنوان یک ارزش غیرقابل انکار پیاده‌سازی کرد، با حضور قدرت‌های جدید اقتصادی و سیاسی، با انجام روش‌هایی مثل گذاشتن تعرفه‌های نامتعارف تجاری و تحریم برخی از کشورها، یکی از ناقضان اصول خود نوشته خود شده است. لذا سیاست‌گذاری راهبردی تجاری و اقتصاد بین‌الملل جدید، رابطه تنگاتنگی با هم پیدا کردند. و به‌جز تعاون و همکاری بدون شرط دولت‌ها، امروزه راهبرد ضربه در مقابل ضربه (اکسلرود^۱، ۱۹۸۳) یا مقابله به مثل نیز در مقابل اقدامات یک کشور علیه دیگری، در دستور کار می‌گیرد. همچنین از آنجا که رفتارهای بنگاه‌های تجاری کشورها با هم به صورت غیرقابل انکاری به روابط میان دولت‌ها بستگی دارد، لذا در اقتصاد سیاسی نوین باید الگوی جدید و راهبردی ارائه شود تا بتواند منافع کشورها را تضمین نماید.

در تحلیل آرمانی با توجه به قاعده بالادستی نفی سیل و در تحلیل علمی با توجه به گذار نظریات تجارت بین‌الملل از مزیت مطلق (اسمیت^۲، ۱۷۷۶) به مزیت نسبی (ریکاردو^۳، ۱۸۱۷) و پس از آن حرکت به سمت خلق مزیت، رویکرد افراطی ضرورت اجتناب‌ناپذیر انگاشتن پیوستن به سازمان تجارت جهانی جهت دستیابی به پیشرفت و توسعه، مورد انتقاد شدید است.

در این پژوهش به بررسی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های اقتصادی نظام و کشور جمهوری اسلامی ایران همراه با شناسایی شاخصه‌های اصلی داخلی و خارجی مهم و مؤثر بر همکاری و تعامل راهبردی اقتصادی با جهان پرداخته شده و با ارزیابی و سنجش عوامل یادشده از نگاه ارتباط با اهداف اساسی نظام، موارد کلیدی مشخص و در نهایت با تناظر برقرار کردن بین آن‌ها در الگوی قوت-ضعف و

1. Axelrod
2. Smith
3. Ricardo

فرصت - تهدید (SWOT) راهبردهای مناسب با هدف رشد و شکوفایی و مقابله با تهدیدات بیرونی و ضعف‌های درونی، در راستای تعیین سیاست‌های تجاری مناسب جمهوری اسلامی ایران در شرایط تحریم مالی استخراج و مشخص می‌شود.

۲. مبانی نظری

۲-۱. راهبردهای رایج توسعه و تعامل اقتصادی با جهان

۲-۱-۱. خوداتکایی

در طول دهه ۱۹۷۰ سیاست اصلی توسعه و تجارت، سیاست «خوداتکایی» بود. پایه و اساس نظری خوداتکایی به عنوان یک راهبرد توسعه نزدیک به اقتصاد مقاومتی در فرضیه‌های زیر خلاصه شده است (غفاری، ۱۳۸۶):

اولویت‌ها به سوی تولید برای نیازهای اساسی مردم تغییر خواهد کرد؛ مشارکت توده‌ای تضمین، از منابع داخلی بهره‌برداری بهتر، خلاقیت‌ها برانگیخته و انطباق و سازگاری بیشتری با شرایط محلی برقرار خواهد شد. تنوع بسیار بیشتری در توسعه و از خودیگانگی کمتری در آن خواهد بود. تعادل بوم‌شناختی به نحوی آسان‌تر به دست خواهد آمد. رویکردهای مهم خارجی، داخلی شده یا در همان سطح به همسایگان اختصاص داده می‌شود. همبستگی با دیگران پایه و بنیانی محکم می‌یابد. توانایی مقاومت و ایستادگی در برابر دست‌کاری‌ها و قابلیت دفاع نظامی کشور افزایش پیدا می‌کند؛ و مرکز و پیرامون امروز به وضع و موقعیتی برابر تبدیل می‌شود.

باید توضیح دهیم که خودکفایی مطلق، به معنای عدم نیاز به دیگران، معنایی ندارد؛ چراکه هر جامعه‌ای به درجه‌ای به جوامع دیگر نیازمند است؛ اما نکته آنجاست که شاکله جامعه باید به گونه‌ای باشد که از جهات مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی روی پای خود بایستد و خوداتکا باشد. به این ترتیب آنچه مهم است مبحث خوداتکایی است. رویکرد به خوداتکایی، به‌ویژه، برای کشوری که می‌خواهد مستقل بماند و شاهد شکل‌گیری توسعه پایدار باشد بسیار مهم است (خیری، ۱۳۹۱).

۲-۱-۲. وابستگی متقابل

راهبرد دیگری است که نظر بسیاری از اندیشمندان حوزه توسعه و تجارت را به خود معطوف داشته است. وابستگی متقابل را می‌توان به عنوان پیوند مستقیم و مثبت منافع دولت‌ها تعریف کرد که با

تغییر در موقعیت یک دولت، جایگاه سایرین را در همان جهت تغییر می‌دهد. وابستگی متقابل به مفهوم نظامی است که در آن دولت‌ها معمولاً در نردبان موقعیت بین‌المللی و توازن اقتصادی، قدرت، رفاه و دسترسی به اطلاعات یا فناوری با هم بالا و پایین می‌روند (سیف و حافظیه، ۱۳۹۲).

۳-۱-۲. درون‌گرایی حمایتی

صاحب‌نظران پیرو این مکتب معتقدند شرایط گذار برای کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته متفاوت است؛ چون کشورهای توسعه‌نیافته امروزی، ناچار از مقابله با موانع درون‌زا و برون‌زای توسعه‌نیافتگی هستند. با در نظر گرفتن این مسائل، الگوهایی را باید به کار گرفت که بیشتر از شرایط داخلی کشورهای توسعه‌نیافته مایه می‌گیرد؛ یعنی عمدتاً باید روی اقتصاد ملی تکیه کرد. (حریری اکبری، ۱۳۷۸)

راهبرد جایگزینی واردات، یک راهبرد درون‌گرا برای توسعه است. به عبارت ساده‌تر، در این راهبرد سعی می‌شود تولیدات داخلی، جایگزین واردات (به‌ویژه واردات صنعتی) شود. این راهبرد ابتدا توسط کشورهای آمریکای لاتین به کار گرفته شد. علت اصلی این امر نیز تحمیل رکود اقتصادی در دهه ۱۹۳۰ و ازهم‌گسیختگی تجارت بین‌المللی در دهه ۱۹۴۰ بوده است. (گریفین^۱، ۱۳۷۸)

۴-۱-۲. راهبردهای برون‌گرا

این راهبردها شامل توسعه صادرات و جایگزینی صادرات است. راهبرد توسعه صادرات غالباً مورد حمایت اقتصاددانان نئوکلاسیک و محافظه‌کاران بوده است که از لحاظ نظری معتقد به برقراری نظام تجارت آزاد، سازوکار خودکار عرضه و تقاضا و عدم مداخله دولت هستند. (بهکیش، ۱۳۸۰)

در راهبرد جایگزینی صادرات به جای تولید مواد خام اولیه، آن‌ها را با صادرات فراورده جایگزین می‌کنند. به بیان دیگر، ممانعت از صادرات مواد خام اولیه (چه معدنی، چه کشاورزی) و انجام صادرات پس از فرآوری در داخل صورت می‌گیرد. این راهبرد، نوعی راهبرد منابع بنیان است (صادقی یارنندی، ۱۳۸۵).

1. Gripin

۲-۱-۵. ادغام وسیع

ادغام وسیع به این معنی است که تولید، شامل جریان کالاها در ماورای مرزها و در سلسله‌مراتب ادغام‌شده بنگاه‌های بین‌المللی سازمان‌دهی می‌شود. یکی از نشانه‌های آن، افزایش اهمیت نسبی تجارت بین بنگاه‌ها و بین صنایع مرتبط در محلهای جغرافیایی متفاوت است (سیف و حافظیه، ۱۳۹۲).

۲-۱-۶. تجارت راهبردی

در این نظریه، شرکت‌ها و دولت‌ها می‌توانند در بازارهای جهانی که در آن‌ها رقابت نسبی برقرار است، رفتار راهبردی داشته باشند؛ یعنی در انتخاب یا رد راهبردهای تجاری به ضعف یا قوت داخلی و تهدید یا فرصت خارجی توجه نمایند. این نظریه از پذیرش رقابت نسبی، صرفه‌جویی در مقیاس، یادگیری در نتیجه عمل، اهمیت تحقیق و توسعه، فرایندهای انباشتی و تسری فناوری ناشی می‌شود (سیف و حافظیه، ۱۳۹۲).

۲-۲. تحریم اقتصادی و میزان اثرگذاری آن

تحریم اقتصادی به تدابیری گفته می‌شود که توسط کشور یا گروهی از کشورها علیه کشوری اعمال می‌شود که به قوانین بین‌المللی تجاوز و از معیارهای اخلاقی مقبول تخطی کرده است. هدف تحریم کننده آن است که کشور متخلف را مجبور کند از اهداف خود منصرف شود یا حداقل برای پایان دادن به رفتار حاضر به مذاکره شود (یزدان پناه، ۱۳۷۴).

آنچه که اثرپذیری اقتصادی تحریم‌ها را تعیین می‌کند به اهداف تحریم، شرکای تجاری کشور تحریم شونده، هزینه‌های اجرایی تحریم، رابطه تجاری تحریم شونده و تحریم کننده پیش از تحریم، همراه کردن سایر کشورها از سوی تحریم کننده و در نهایت فهرست کالاهای مشمول تحریم است. در ارتباط با موفقیت تحریم اقتصادی در دستیابی به اهداف خود شرایط زیر مطرح شده است (لاپز و رایت ۱، ۱۹۹۵):

- هزینه تحریم برای اقتصاد کشور هدف بیش از ۲ درصد تولید ناخالص ملی باشد؛
- نسبت تولید ناخالص کشور تحریم کننده حداقل ۱۰ برابر کشور تحریم شده باشد؛

- امکان تسلط بر بیش از ۲۵ درصد کل تجارت کشور هدف؛
 - تحریم‌ها به سرعت و با همکاری سایر کشورهای اعمال شود که شریک تجاری کشور هدف به شمار می‌روند؛
 - هزینه تحمیل تحریم‌ها برای کشور تحمیل‌کننده پایین باشد.
- تحریم‌های اقتصادی با فشارهای سیاسی و نظامی بر یک کشور کاملاً متفاوت بوده و کانال‌های متفاوتی را نیز برای دستیابی به اهداف خود دنبال می‌کنند. مهم‌ترین این مجاری، تغییرات در تجارت و تولید و سایر متغیرها وابسته به این بخش‌ها مانند سرمایه‌گذاری و اشتغال است.

۲-۳. تحریم بانک‌ها و آثار آن بر اقتصاد

سیستم بانکی در ایران با وجود نقاط ضعف گسترده و خلق پول ویرانگرِ معیشت مردم، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان بازوی دولت به شمار می‌رفته و می‌رود و در اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بخشی از موفقیت این برنامه‌ها متأثر از میزان توانمندی نظام بانکی است که با تحریم بانک‌ها، این توانمندی مورد هدف قرار گرفته است.

عمده تأثیرات تحریم‌ها بر نظام مالی و پولی کشور را به شرح زیر می‌توان نوشت: (وصالی و ترابی، ۱۳۸۹) تأثیر روی حساب ذخیره ارزی، افزایش مخاطره در خصوص منابع بانک، تأثیر بر روی ریسک اعتباری، احتمال محدودیت بهره‌برداری از دارایی‌ها در خارج از کشور یا مسدود شدن سپرده‌ها، افزایش قیمت کالاهای سرمایه‌ای، کاهش اعتماد بین‌المللی به سیستم بانکی، تحمیل هزینه‌های تأمین مالی، افزایش مطالبات بانک‌ها به دلیل محدودیت وام‌گیرندگان در تولید و یا فروش محصولات، کاهش اعتماد عمومی به نظام بانکی، تأثیرات تحریم بانک‌ها بر سودآوری شرکت‌های طرف معامله با سیستم بانکی، مشکلات در گشایش اعتبار و نقل و انتقالات مالی با سایر کشورها، کاهش سودآوری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس، محدود شدن تولیدکنندگان در تأمین نیازهای وارداتی، افزایش هزینه و زمان معاملات و مراودات، قطع منابع ارزی و عدم تزریق پول به شرکت‌ها، دشواری انجام سفرهای تجاری، افزایش ریسک سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران خارجی و ایجاد نااطمینانی در اقتصاد.

۲-۴. نظرگاه مقابل: تأثیر اندک تحریم‌ها بر اقتصاد

برخی کارشناسان اقتصادی و تحلیل‌گران سیاسی، معتقد هستند هرچند تحریم‌ها ممکن است در کوتاه‌مدت مشکلاتی را برای سیستم مالی و بانکی ایجاد نمایند، ولی به دلایل زیر، در درازمدت قابلیت اثرگذاری غیرقابل جبرانی بر شبکه مالی و بانکی و سیستم اقتصادی کشور ندارند، مشکلات مرتفع خواهند شد و سیستم مالی و بانکی به حالت اولیه بازخواهد گشت:

۱. ویژگی اقتصاد ایران و تنوع آن و موقعیت جغرافیایی کشور؛
۲. ظرفیت‌های اقتصاد جهانی و تأثیر متقابل تحریم‌ها در افزایش قیمت نفت و فرآورده‌های نفتی؛
۳. موقعیت بسیار حساس و جذاب ایران در سرمایه‌گذاری؛
۴. گستردگی، تنوع و امکان جایگزینی بازارهای مالی جهان؛
۵. عدم همراهی کشورها با آمریکا.

۲-۵. جنگ اقتصادی

دشمن در جنگ اقتصادی به وسیله ابزارهای خاص خود بنیان اقتصاد کشور هدف را به منظور فلج کردن و برهم زدن امنیت اقتصادی و تغییر موازنه قدرت اقتصادی و در نهایت تسلیم آن کشور، مورد تهاجم قرار می‌دهد. اما به طور دقیق‌تر می‌توان گفت حوزه اقتصاد، حوزه اقتدار عینی جامعه است. در واقع دشمن که از کارآمدی سیاسی و فرهنگی اسلام و انقلاب اسلامی ضربه خورده است، سعی می‌کند در سطح عینی مدیریت جامعه ما حضور پیدا کرده و نسبت به نظام اسلامی در عینیت، القای ناکارآمدی کند. در حقیقت حوزه درگیری در اقتصاد، حوزه کارآمدی است و دشمن خود را در این عرصه قهرمان مطلق می‌داند و مدعی است که اگر انقلاب اسلامی موفق شده است در بُعد سیاسی و نظامی، تک‌صدایی غرب و نظام سلطه را بشکند، اما در حوزه عینیت و اقتصاد کاری از آن برنمی‌آید.

جنگ اقتصادی با استفاده از الگوهای سرمایه‌داری توسعه، نظام اسلامی را دچار بحران و چالش‌های اقتصادی و فرهنگی می‌کند. در سطح کلان، درگیری در حوزه مدیریت و ساختار اتفاق می‌افتد. در این سطح، ساختارها و ابزارهای توسعه اقتصاد سرمایه‌داری چون شرکت‌های بزرگ و چندملیتی، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، نظارت و هدایت جریان‌های تجاری و مالی و پولی بین‌المللی را در اقتصاد جهانی به عهده دارند. در سطح خرد نیز ناظر به حوزه تحقق و اجرا و

ساختار عینی اقتصاد است؛ یعنی پس از آنکه در سطح توسعه و تکاملی، تمایلات جامعه به توسعه سرمایه‌داری و مادی و مصرف‌زدگی هدایت شد و در سطح کلان، ساختارها و الگوها و نظام تصمیم‌گیری جامعه متناسب با تحقق آن هدف تنظیم گردید و تخصیص لازم به آن اختصاص داده شد، حال در سطح خرد، آن راهبرد، اجرایی و عملیاتی می‌شود و محقق می‌گردد و با وجود مشکلات اقتصادی و معیشت جامعه، وضعیت اقتصادی شرکت‌ها و هولدینگ‌های بزرگ خوب است ولی بنگاه‌های خرد و کوچک در حال تعطیل و توقف هستند و دولت از شرکت‌های بزرگ حمایت می‌کند و در نهایت این شرکت‌ها و کلان سرمایه‌داران با حضور در ساختار قدرت سیاسی جهت‌گیری‌ها و نظام ارزشی جامعه را تغییر داده و نظام اختیارات جامعه را به دست می‌گیرند (کتابی، ۱۳۹۵). در حوزه تجارت هم امروزه «تحریم‌های مالی و پولی و بانکی و بیمه‌ای و ارتباطاتی و تجاری»، نمادی از جنگ نرم اقتصادی از سوی نظام سلطه بین‌المللی است. این تحریم‌ها و محدودیت‌ها سطح روابط و مبادلات اقتصادی ما با دیگر کشورها را به شدت محدود کرده و کاهش می‌دهد و آسیب‌پذیری بیشتری را ایجاد می‌کند.

۲-۶. اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی یک الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور، یک اقتصاد درون‌زا متناسب با ظرفیت‌ها و امکانات کشور و مردم‌نهاد و دانش‌بنیان است. به عبارت دیگر این اقتصاد، مردمی است و دولت مسئولیت برنامه‌ریزی، هدایت و نظارت را بر عهده دارد. و از طرف دیگر از پیشرفت‌های علمی بهره می‌گیرد. در این اقتصاد، عدالت، محور قرار می‌گیرد و توجه به این نوع اقتصاد بهترین راه‌حل مشکلات اقتصادی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۱).

اقتصاد مقاومتی، مجموعه تدابیر مدیریتی اقتصادی است که (نعمتیان، سالار و نشاطی، ۱۳۹۵):

۱. آسیب‌پذیری اقتصاد را در برابر خطرهای متعددی که اقتصاد ایران را تهدید می‌کند، کاهش دهد.

۲. در شرایط فشار، روند رو به رشد اقتصادی در کشور را حفظ کند.

۳. حوزه‌های فشار را شناسایی نموده و به دنبال آن، برای واپایش و بی‌اثر کردن آن‌ها و تبدیل تهدیدات به فرصت، قابلیت داشته باشد.

۴. با اتکا بر قوت‌های اقتصاد داخلی به مقابله با ضعف‌ها پرداخته، حقوق پایمال شده ملت را از کشورهای متجاوز استیفا نماید.

۲-۷. مبانی ارزشی و اهداف اساسی اقتصادی نظام جمهوری اسلامی ایران

در هر نظامی، الگوهای رفتاری در عرصه فعالیت‌های اقتصادی، برخاسته از حقوق اقتصادی، از اصول و قواعد اساسی نظام اقتصادی آن شکل می‌گیرد و آن اصول و قواعد اساسی، بر اساس دیدگاه خاصی که هر نظامی درباره مقوله‌های خدا، جهان، انسان و جامعه ارائه می‌دهد، سامان می‌یابد (یوسفی، ۱۳۸۶).

مقام معظم رهبری نیز با اشاره به نکات مهمی می‌فرمایند: «باید با افزایش محسوس درآمد سرانه، رشد تولید ناخالص ملی، حضور در رقابت‌های اقتصادی بین‌المللی، رفع فقر و محرومیت و برقراری عدالت، الگوی موفق از اقتصاد به جهان عرضه می‌کردیم و کارآمدی کشور در جهت رشد و رونق اقتصادی و تأمین عدالت را برجسته‌تر به دنیا نشان می‌دادیم» (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰). «پیشرفت از نظر غرب، پیشرفت مادی است؛ محور، سود مادی است؛ هرچه سود مادی بیشتر شد، پیشرفت بیشتر شده است؛ افزایش ثروت و قدرت. این، معنای پیشرفتی است که غرب به دنبال اوست؛ منطق غربی و مدل غربی به دنبال اوست و همین را به همه توصیه می‌کنند. پیشرفت وقتی مادی شد، معنایش این است که اخلاق و معنویت را می‌شود در راه چنین پیشرفتی قربانی کرد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۲/۲۵).

۲-۸. تعامل اقتصادی با جهان در اسناد بالادستی نظام

از جمله مهم‌ترین این موارد می‌توان به بندهایی از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی اشاره نمود:

۱. حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزآوری مثبت از طریق^۱:

- تسهیل مقررات و گسترش مشوق‌های لازم.
- گسترش خدمات تجارت خارجی و ترانزیت و زیرساخت‌های مورد نیاز.
- تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات.

۱. بند ۱۰ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغ‌شده توسط رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۲

- برنامه‌ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل‌دهی بازارهای جدید و تنوع‌بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به‌ویژه با کشورهای منطقه.
- استفاده از سازوکار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز.
- ایجاد ثبات رویه و مقررات در مورد صادرات با هدف گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف.
- ۲. توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه‌ی اقتصادی کشور به منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج.^۱
- ۳. افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از طریق:^۲
- توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان به‌ویژه همسایگان.
- استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های اقتصادی.
- استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای.
- در بخش‌هایی از سند چشم‌انداز بیست‌ساله و نیز برنامه چهارم توسعه، موارد پنج‌گانه زیر مورد اشاره قرار گرفته است: (خادمی، ۱۳۸۷)
- ۱. روان کردن تجارت با دنیا؛
- ۲. استاندارد کردن سازوکارهای تعرفه‌ای؛
- ۳. بهره‌گیری از بازارهای جهانی؛
- ۴. ارتباط با سازمان‌های تجاری بین‌المللی همچون سازمان تجارت جهانی؛
- ۵. همکاری‌های منطقه‌ای در شکل‌گیری مناطق آزاد تجاری و تشکیل منطقه ترجیحی تجاری با برخی کشورهای عربی خاورمیانه یا بعضی کشورهای عربی خلیج فارس.
- همچنین در برنامه پنجم توسعه به ساماندهی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی و ایفای نقش مؤثر آن‌ها در تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام، اعمال مدیریت یکپارچه و ایجاد رشد

۱. بند ۱۱ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغ‌شده توسط رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۲

۲. بند ۱۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغ‌شده توسط رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۲

اقتصادی مناسب در این مناطق، هم‌پیوندی و تعامل اثرگذار اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی و ارائه الگوی توسعه ملی در بخش‌های مختلف اشاره شده است.^۱

۲-۹. تعریف و تبیین ادبیات علمی نزدیک به اقتصاد مقاومتی

مقاوم‌سازی اقتصاد پدیده‌ای جدید نیست و تجربه‌هایی از این مقاوم‌سازی در کشورهای مختلف وجود دارد؛ البته نباید فراموش کرد که اقتصاد مقاومتی مطرح شده از سوی مقام معظم رهبری همه آن چیزی نیست که تجربه شده است؛ چنین الگویی برآمده از اسلام است و در قالب الگوهای مطرح شده از راهبردهای توسعه خلاصه نمی‌شود.

در ادبیات علمی عباراتی مثل آسیب‌پذیری، ثبات یا تاب‌آوری وجود دارد که از نظر مفهومی به اقتصاد مقاومتی قرابت دارد. مفهوم تاب‌آوری^۲ دربردارنده این اصل است که چگونه کشورها انعطاف‌پذیری خود را برای حداکثر کردن بهره‌مندی خود از فرصت‌های به‌وجودآمده از شوک‌های برون‌زا را افزایش دهند و همچنین چگونه تاب‌آوری خود را در برابر تهدیدهای به‌وجودآمده از این ناحیه افزایش دهند تا کمترین خسارت‌ها را متحمل شوند. شایان ذکر است که اهمیت مفهوم تاب‌آوری به حدی است که مبنای گزارش‌های سالانه سازمان‌های جهانی، بالأخص بانک جهانی، بوده است. از این رو، انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری مورد نظر اقتصاد مقاومتی بوده که از آن به‌عنوان برون‌زایی و درون‌گرایی یاد شده است.

اقتصاد آسیب‌پذیر یا شکننده^۳ که نقطه مقابل اقتصاد مقاومتی به شمار می‌رود، مفهومی است که حدود یک دهه از تولد آن در ادبیات اقتصادی می‌گذرد و در واقع چند سال پس از تجربه بحران مالی شرق آسیا در سال ۱۹۹۸ مورد توجه قرار گرفته است. بحرانی که مولود خطای راهبردی وابسته کردن بازارهای مالی به سرمایه‌گذاران خارجی بود و به سقوط چندساله اقتصادهایی منجر شد که در جهان به‌عنوان معجزه آسیایی شناخته می‌شدند. (خاندوزی و میرنظامی، ۱۳۹۳)

در ادبیات متعارف، یک اقتصاد زمانی شکننده است که شوک‌های بیرونی بتواند به‌راحتی آن را از موقعیت ظاهراً متعادل و پیش‌رونده خارج کند. ویژگی آسیب‌پذیری هیچ ارتباطی به عملکرد

۱. ماده ۱۱۲ برنامه پنجم توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

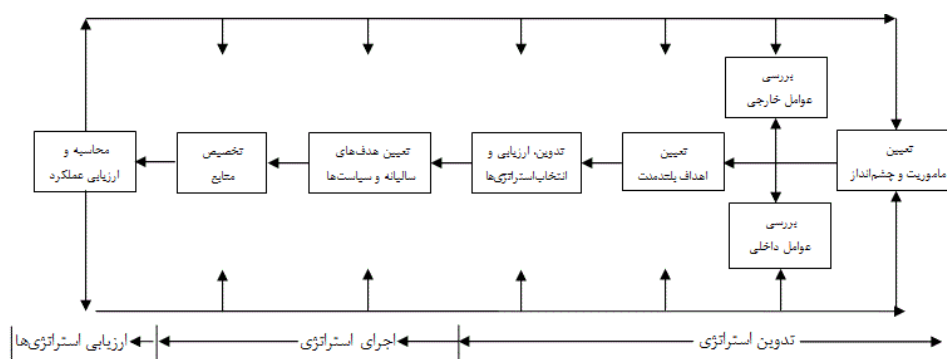
2. Resilience

3. vulnerable Economy

عادی یک اقتصاد ندارد؛ یعنی در شرایط معمول ممکن است یک اقتصاد از لحاظ شاخص‌های اقتصاد کلان در وضع بسیار مطلوبی به سر ببرد ولی هم‌زمان دچار شکنندگی بالاست. این آسیب‌پذیری نسبت به تکان‌های بیرونی عمدتاً ناشی از وجود یکی از ۲ عامل است: درجه بالای باز بودن اقتصاد یعنی بالا بودن جمع صادرات و واردات به کل تولید ناخالص داخلی و دیگری وابستگی حداقل نیمی از صادرات کشور به یک محصول خاص که موجب خواهد شد در صورت ایجاد اختلال در هر یک از دو عامل مذکور، هم بخش وسیعی از تولید و اشتغال داخل و هم سهم قابل توجهی از درآمدهای ارزی کشور دچار نقصان شود.

۳. ابزار، روش و جامعه آماری پژوهش

این پژوهش برای ارائه موقعیت استراتژیک وضعیت فعلی اقتصاد ایران و تعیین راهبرد مطلوب در جهت اتخاذ سیاست‌های تجاری هوشمندانه برای رسیدن به پیشرفت پایدار در راستای مبانی ارزشی جمهوری اسلامی از مدل برنامه‌ریزی راهبردی SWOT بهره گرفته است. اطلاعات لازم مدل از طریق تکمیل پرسشنامه‌ای با پایایی (در حالت مطلوب، آلفای کرونباخ قابل قبول باید بزرگ‌تر از ۰/۷ باشد) پرسشنامه این پژوهش برای عوامل درونی (۰/۸۸۴) و همچنین پرسش‌نامه عوامل بیرونی (۰/۹۱۳) مورد تأیید قرار گرفت. و روایی مطلوب، توسط ۶۰ نفر از اساتید و نخبگان حوزه‌های اقتصاد، مدیریت و علوم سیاسی جمع‌آوری و با نرم‌افزارهای spss و excel در حد خطای ۵٪ تجزیه و تحلیل شد. برای رسیدن به راهبردهای پیشنهادی نیز از روش طوفان فکری بهره گرفته شده است.



شکل ۱. فرآیند عمومی برنامه‌ریزی راهبردی

در الگوی «سوات» چهار راهبرد کلی به شرح زیر شکل می‌گیرد:

- SO راهبردهای تهاجمی: بهره‌گیری از قوت‌ها و توانمندی‌ها برای استفاده از فرصت‌های موجود است.
- WO راهبردهای محافظه‌کارانه: حذف یا کاهش ضعف‌ها با استفاده از فرصت‌های به وجود آمده است.
- ST راهبردهای رقابتی: برای جلوگیری از تهدیدات، از قوت‌های موجود استفاده می‌شود.
- WT راهبردهای تدافعی: باید با پرهیز از تهدیدات خارجی، ضعف‌های داخلی را اصلاح کرد.

۴. تحلیل نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات اقتصاد و تجارت ایران و موقعیت استراتژیک اقتصاد و تجارت جمهوری اسلامی ایران

برای تعیین موقعیت از ارزیابی عوامل درونی و عوامل بیرونی که در فصل سوم به آن اشاره شد؛ استفاده می‌شود. نتایج نشان می‌دهد میانگین استاندارد شده نمرات عوامل داخلی کمتر از ۲/۵ است و حاکی از این است که اقتصاد و تجارت جمهوری اسلامی ایران از لحاظ عوامل درونی دارای ضعف است. همچنین میانگین استاندارد شده نمرات عوامل بیرونی بیشتر از ۲/۵ است و یعنی فرصت‌های پیش‌روی تجارت و اقتصاد ایران بر تهدیدات غلبه دارند.

با توجه به نمره ارزیابی عوامل داخلی (۲/۲۳) و عوامل خارجی (۲/۵۶) و تشکیل جدول ارزیابی هم‌زمان داخلی و خارجی، مشخص شد که اقتصاد و تجارت جمهوری اسلامی ایران در موقعیت WO قرار دارد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که به دلیل چیرگی ضعف‌ها بر قوت‌ها و وجود توانایی بالقوه در استفاده از فرصت‌ها، جمهوری اسلامی ایران در سیاست‌گذاری تجاری باید بکوشد با بهره‌گیری از فرصت‌های موجود، نقاط ضعف داخلی را بهبود بخشد.

جدول ۱. نتایج ارزیابی عوامل درونی اقتصاد و تجارت جمهوری اسلامی ایران

عوامل درونی	کد	عنوان عوامل	شدت عوامل	ضریب اهمیت	نمره
قوت‌ها	S1	رتبه اول منابع نفت و گاز در جهان	۳/۴۶	۳/۳۳	۱۱/۵۶
	S2	سرمایه انسانی و وجود نخبگان جوان	۳/۵۱	۳/۱۶	۱۱/۱۳
	S3	وجود منابع مستعد درآمدی در حوزه تجارت خارجی از جمله معادن متنوع غیرنفتی، صنایع دستی و خدمات مهندسی	۳/۵۱	۲/۹۹	۱۰/۵۱
	S4	تنوع آب و هوایی و ظرفیت فراوان کشاورزی	۳/۵۳	۳/۱۵	۱۱/۱۶
	S5	ظرفیت کسب درآمد در گردشگری سلامت و جاذبه‌های مختلف دیگر	۳/۵۱	۳/۱۵	۱۱/۰۹
	S6	عدم وابستگی و استقلال سیاسی	۳/۵۳	۳/۳۲	۱۱/۷۳
	S7	تجربه مقابله با تحریم‌ها	۳/۴۶	۳/۲۱	۱۱/۱۵
	S8	رشد پرشتاب علم و فناوری و ارتقای نوآوری و کارآفرینی کشور	۳/۵۵	۲/۵	۸/۸۹
	S9	وجود اسناد بالادستی و سیاست‌های کلی اقتصادی از جمله اقتصاد مقاومتی	۳/۴۶	۳/۱۹	۱۱/۰۹
	S10	موقعیت استراتژیک و ژئوپولیتیک کشور در جنوب غرب آسیا	۳/۵۱	۳/۲۳	۱۱/۳۷
	S11	رشد، شکل‌گیری و فعالیت شرکت‌های دانش‌بنیان	۳/۵	۲/۶۶	۹/۳۳
نقاط ضعف	W1	تک‌محصولی بودن و خام فروشی نفت	۱/۳۶	۳/۲۱	۴/۳۸
	W2	نبود بخش خصوصی مستقل و قدرتمند	۱/۵	۳/۳۴	۵/۰۱
	W3	نرخ بیکاری بالا	۱/۴۳	۳/۲۲	۴/۶۱
	W4	تورم مزمن	۱/۴۵	۳/۴۶	۵/۰۱
	W5	ضعف نهادهای مالی برای ایجاد شرایط مناسب تولید	۱/۵۳	۲/۶۲	۴/۰۲
	W6	عدم شفافیت در حوزه‌های مالی	۱/۴	۲/۸۶	۴/۰۱
	W7	ضعف در مدیریت و ساختار تعرفه‌های واردات	۱/۵۳	۲/۷۷	۴/۲۵
	W8	فقدان صنایع و محصولات متنوع صادراتی با ارزش افزوده بالا	۱/۵	۳/۰۴	۴/۵۷
	W9	مدیریت ضعیف درآمدهای نفتی	۱/۴۱	۲/۶۴	۳/۷۴
	W10	بانک محور بودن نظام مالی	۱/۴۵	۳/۱۷	۴/۵۹
	W11	سهم بالایی دولت در اقتصاد	۱/۴۸	۳/۷۵	۵/۵۷
	W12	بالا بودن هزینه‌های تولید به دلیل بهره‌وری پایین	۱/۵۳	۵/۳۹	۸/۲۷

ادامه جدول ۱. نتایج ارزیابی عوامل درونی اقتصاد و تجارت جمهوری اسلامی ایران

عوامل درونی	کد	عنوان عوامل	شدت عوامل	ضریب اهمیت	نمره
نقاط ضعف	W13	سرکوب نرخ ارز	۱/۵۱	۳/۱۴	۴/۷۷
	W14	شفاف نبودن حوزه‌های تجارت خارجی	۱/۵۱	۳/۱۴	۴/۷۶
	W15	فقدان راهبردهای مدون تجاری	۱/۴۸	۲/۵۱	۳/۷۲
	W16	انحرافات قیمتی نسبت به قیمت‌های جهانی در اقتصاد	۱/۴۸	۲/۵۵	۳/۷۸
	W17	نبود دیپلماسی اقتصادی بین‌المللی	۱/۳۸	۳/۲۲	۴/۴۵
	W18	نبود شفافیت در زمینه‌های مالیاتی	۱/۴۵	۳/۱۳	۴/۵۳
	W19	ضعف شرایط و سیاست‌های کنترل اقتصاد غیررسمی و قاچاق	۱/۵۶	۳/۱۲	۴/۸۹
	W20	ضعف بازار سرمایه (بورس و اوراق بهادار)	۱/۵۱	۳/۱	۴/۷۰
	W21	وابستگی زیاد کالای تولیدی و صادراتی به مواد اولیه خارجی	۱/۵۶	۲/۶۶	۴/۱۶

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۲. نتایج ارزیابی عوامل بیرونی اقتصاد و تجارت جمهوری اسلامی ایران

عوامل خارجی	کد	عنوان عوامل	شدت عوامل	ضریب اهمیت	نمره
نقاط قوت	O1	پهناوری و گستردگی سرزمینی و امکان مبادلات تجاری حداقل با ۱۵ کشور	۳/۵۶	۴/۰۴	۱۴/۴۱
	O2	امکان استفاده از حوزه‌های نفوذ قومی، فرهنگی و تمدنی در جهت اهداف اقتصادی	۳/۴۸	۳/۱۱	۱۰/۸۴
	O3	افزایش روابط دوستانه با همسایگان	۳/۴۶	۳/۳۶	۱۱/۶۵
	O4	قرار داشتن در مسیر کریدورهای جهانی ترانزیتی شمال- جنوب و شرق-غرب	۳/۵	۳/۰۲	۱۰/۵۷
	O5	فرصت ناشی از تحریم در ترمیم آسیب‌پذیری و ناکارآمدی اقتصاد	۳/۵	۳/۷۳	۱۳/۰۵
	O6	قدرت الهام بخشی انقلاب اسلامی و گرایش مردم منطقه به آرمان‌ها و ارزش‌های آن	۳/۵۳	۳/۹۹	۱۴/۱
	O7	نیازهای اقتصادی کشورهای افغانستان و آسیای میانه	۳/۴۵	۳/۷۴	۱۲/۹
	O8	نیاز عراق، سوریه و افغانستان به بازسازی	۳/۵۱	۳/۸۴	۱۳/۵۳
	O9	نیاز کشورهای هند، پاکستان و ترکیه به گاز	۳/۴۶	۳/۲۷	۱۱/۳۶

نقاط قوت

نقاط ضعف

ادامه جدول ۲. نتایج ارزیابی عوامل بیرونی اقتصاد و تجارت جمهوری اسلامی ایران

عوامل خارجی	کد	عنوان عوامل	شدت عوامل	ضریب اهمیت	نمره
تجارت	O10	حضور در یکپارچگی‌ها و پیمان‌های تجاری منطقه‌ای	۳/۵۵	۴/۰۷	۱۴/۴۵
	O11	بستن پیمان‌های پولی دوجانبه با سایر کشورها برای حذف دلار در مبادلات	۳/۵	۳/۵۶	۱۲/۴۸
	O12	پیوستن به سازمان‌ها و پیمان‌های تجاری جهانی	۳/۵۱	۳/۶۲	۱۲/۷۶
	O13	توسعه ارز دیجیتال برای تسویه حساب‌های مالی با کشورها	۳/۴۵	۳/۸۲	۱۳/۲
	O14	رقابت سخت کشورها و شرکت‌ها در حوزه‌های تجاری بین‌المللی	۳/۵۱	۳/۱۵	۱۱/۰۸
سیاست	O15	دسترسی مستقیم به آب‌های آزاد	۳/۵	۳/۷۸	۱۳/۲۳
	T1	تحریم‌های بانکی و کاهش سرعت دادوستد	۱/۴۵	۴/۲۴	۶/۱۵
	T2	اختلاف‌افکنی بین جمهوری اسلامی ایران و همسایگانش توسط امریکا و رژیم صهیونیستی	۱/۴۶	۴/۲۷	۶/۲۶
	T3	وجود ناامنی و بی‌ثباتی در منطقه غرب آسیا و حوزه نفوذ ایران	۱/۴۵	۴/۱۶	۶/۰۳
	T4	اختلاف دیدگاه سیاسی کشورهای منطقه با جمهوری اسلامی ایران	۱/۴۶	۳/۴۴	۵/۰۵
	T5	تحریم‌های نفتی، تجاری و مالی امریکا علیه ایران	۱/۴۵	۳/۶۷	۵/۳۳
	T6	تأثیرگذاری قدرت‌های بیگانه بر کنترل انرژی و قیمت نفت و گاز در جهان	۱/۴۸	۳/۲۴	۴/۸۱
	T7	ریسک بالای سرمایه‌گذاری خارجی	۱/۴۸	۴/۰۹	۶/۰۷
	T8	تحریم‌های نفتی، تجاری و مالی اتحادیه اروپا علیه ایران	۱/۴۱	۳/۶۷	۵/۲
	T9	قطعنامه‌ها و تحریم‌های نفتی، تجاری و مالی سازمان ملل علیه ایران	۱/۴۵	۳/۶۹	۵/۳۵
	T10	دشواری و بالا رفتن ریسک مبادلات غیر تحریمی به دلیل تحریم	۱/۵۱	۳/۵۷	۵/۴۲
	T11	تنظیم و اجرای قوانین ضد پول‌شویی و مبارزه با تروریسم با تعریف استکباری	۱/۴۸	۴/۰۹	۶/۰۶
	T12	ریسک گریز بودن عوامل فعال و دست‌اندرکار بازارهای مالی بین‌المللی از جمله بانکداران	۱/۵۱	۳/۶	۵/۴۶

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۵. راهبردهای تهاجمی SO

- تحکیم پایه‌های استقلال اقتصادی از طریق تقویت ساخت درونی قدرت جمهوری اسلامی ایران متکی بر ارزش‌های اسلامی در جهت تعامل اقتصادی با جهان؛

- استفاده از ظرفیت منابع نفت و گاز کشور در راستای تأمین نیازهای تکنولوژیکی از سراسر دنیا؛
- هدایت سرمایه‌گذاری خارجی از طریق ملاحظه همه‌جانبه منافع ملی در راستای شکوفایی اقتصاد ملی؛
- ارتقای کارآمدی، پویایی دیپلماسی و حضور فعال در همبستگی‌ها و معاهدات منطقه‌ای و جهانی در جهت استفاده از ظرفیت‌های موجود؛
- ارتقا و افزایش کارآمدی اقتصادی از طریق ایجاد هم‌راستایی در اهداف اساسی رشد و عدالت در جهت الهام بخشی به جهان؛
- شناسایی بازارهای جدید (کالایی- مکانی) برای توسعه صادرات کنونی و تبدیل ظرفیت‌های بالقوه به بالفعل در این بازارها؛
- به‌کارگیری ظرفیت‌های موجود تولیدی برای ایجاد هم‌افزایی ظرفیت‌ها در ملت‌های مستقل جهان از طریق تقویت همکاری میان کشورهای غیرمتعهد؛
- افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در بازارهای جهانی از طریق استفاده از منابع زیرزمینی برای تقویت موقعیت جهانی نظام اسلامی؛
- ارتقای هویت بخشی مستقل ملی با اصلاح حرکت پیشرفت ملی در راستای تعامل اقتصادی با جهان؛
- به‌کارگیری منطق و تدبیر و استفاده از فرصت‌های ضربه متقابل به استکبار در جهت نفوذ در میدان‌های بین‌المللی؛
- تقویت اعتمادبه‌نفس ملی از طریق احیای علم و فناوری در کشور در راستای تعامل اقتصادی با جهان؛
- نمود بخشی بیشتر عدالت در پیشرفت‌ها با مردمی کردن برنامه‌های اقتصادی در جهت رسیدن به چشم‌انداز مورد نظر نظام اسلامی؛
- ایجاد پول بین‌المللی جهان اسلام در راستای حذف دلار و سلطه پنهان استکبار و استفاده از توان فکری و ایدئولوژی اسلام برای تعامل مؤثر و سازنده اقتصادی با جهان اسلام.

۶. راهبردهای محافظه کارانه WO

- استفاده از بازارهای مصرف کشورهای همسایه برای رشد و شکوفایی تولید و کاهش نرخ بیکاری و تورم؛
- برطرف کردن ضعف‌های اقتصادی از طریق کارآمدی، تحرک بی‌وقفه و جهت‌دار دیپلماسی و حضور فعال در معاهدات و مجموعه‌ها و هسته‌های منطقه‌ای و جهانی؛
- بازنگری قانون و مقررات صادرات و واردات، قانون امور گمرکی و قانون مناطق آزاد تجاری و صنعتی و اصلاح و مقررات ضد دامپینگ به منظور هم‌پیوندی فعال با اقتصاد جهانی و رونق بخشیدن به تجارت خارجی؛
- کنترل نرخ تورم با کاهش نرخ رشد نقدینگی از طریق محدود کردن سفته‌بازی روی املاک، طلا و ارز؛ عدم امکان برداشت نقدی از سپرده‌ها از یک سقف معین و کاهش نرخ سود سپرده‌های بانکی؛
- ایجاد فرصت‌های تجاری گسترده از طریق رفع ضعف‌ها و موانع تولید و تقویت ظرفیت‌های تولید در داخل؛
- کاهش وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای حاصل از نفت و توسعه بیش از پیش صادرات غیرنفتی؛
- برطرف کردن ضعف‌های تولیدی و اقتصادی موجود از طریق تحکیم روابط تجاری درون امت اسلامی در جهت قطع وابستگی مسلمانان به قدرت‌های سلطه‌گر؛
- برطرف کردن ضعف‌های اقتصادی و تقویت تولید ملی از طریق بهره‌گیری از صرفه مقیاس در بازار بزرگ جهانی در راستای رشد و شکوفایی اقتصادی؛
- بهره‌گیری از فرصت دسترسی مستقیم جمهوری اسلامی ایران به آبراه‌های آزاد در جهت بهبود صادرات کالا و خدمات؛
- استفاده از مسیر کریدورهای جهانی ترانزیتی شمال- جنوب و شرق- غرب در جهت برطرف کردن ضعف‌های موجود و ایجاد رشد و شکوفایی؛
- ایجاد الگوی الهام‌بخش اقتصادی از طریق محوریت دادن به عنصر معنویت در الگوی اقتصادی در جهت ریشه‌کنی فقر و بی‌عدالتی.

۷. راهبردهای رقابتی ST

- توسعه اقتصاد دانش‌بنیان از طریق همسوسازی تولید علم و تولید ثروت در جهت مقابله با سلطه استکبار؛
- تمرکز بر حل مسائل اقتصادی از طریق محوریت تولید ملی در جهت مأیوس کردن دشمن؛
- حفظ منابع تجدیدناپذیر از طریق مدیریت صحیح و یافتن جایگزین برای آن‌ها در جهت عدم وابستگی به نظام سلطه و دستیابی به استقلال؛
- بازاریابی جهانی با جهت‌گیری رونق اقتصادی در داخل کشور؛
- استفاده از معادن متنوع غیرنفتی و ثروت‌های عظیم خدادادی در جهت خودکفایی و مقابله با تهدیدات دشمن؛
- پیشبرد سیاست عدم وابستگی به شرق و غرب با اتکا به اصول ثابت و مستحکم انقلاب اسلامی برای مقابله با تهدیدات استکباری؛
- استفاده از تنوع آب و هوایی و پتانسیل کشاورزی کشور و رفع وابستگی به جهان، به‌ویژه جهان استکبار؛
- تولید دانش و استفاده از ظرفیت‌های علمی کشور برای خوداتکایی و مقابله با سلطه استکبار و تهدیدات دشمن؛
- پاسداری از منابع، به‌ویژه منابع انسانی با ایجاد شرایط نشاط و ابتکار از طریق علم، تقویت ایمان، سرمایه‌های اجتماعی و مذهبی در راستای مقابله با جریان سلطه در جهان؛
- تقویت نیروهای درونی با استحکام‌بخشیدن به ایمان مذهبی مردم در راستای مقابله با موانع اقتصادی و پشتیبانی‌های مردمی؛
- ایجاد شرایط تعامل اقتصادی سازنده با جهان از طریق بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی؛
- تقویت بخشی کشاورزی از طریق ایجاد هم‌راستایی در صنعت و کشاورزی در جهت کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد ملی؛
- خودکفایی در مواد غذایی، تکیه بر کشت و زرع و گسترش صادرات زراعی با استفاده از ابتکار و نیروی کار خود برای مقابله با تحریم‌ها؛

- پی‌ریزی اقتصاد مقاومتی از طریق بهره‌گیری درست از قدرت انسانی و تقویت بصیرت عمومی برای مقابله با تهدیدات و تحریم؛
- تقویت قدرت ملی از طریق ایستادگی بر آرمان‌ها در جهت ایجاد مصونیت در برابر تهدیدات؛
- استحکام‌بخشی درونی و داخلی از طریق تلاش مستمر، هوشمندانه، مخلصانه و اثرگذار با استفاده از همه ظرفیت کشور برای جلوگیری از دخالت دشمن در سرنوشت و مقدرات و فرهنگ و سیاست ما؛
- استفاده بهینه از منابع مادی و معنوی امت اسلامی در راستای مقابله با سلطه قدرتمندان.

۸. راهبردهای تدافعی WT

- شناسایی راه‌های جدید برای مبادلات مالی و پولی و مقابله با مشکلات به وجود آمده در این باره از تحریم به‌ویژه با کشورهای همسایه؛
- واپایش اقتصاد غیررسمی و قاچاق و جلوگیری از اتلاف منابع و استفاده بهینه از این منابع در جهت مقابله با تهدیدات؛
- ارتقای شفافیت در اقتصاد داخلی و حذف رانت نفت؛
- کاهش ضعف در بهره‌وری از منابع و جلوگیری از اتلاف منابع و استفاده بهینه از آن برای تقابل با تهدیدات اقتصادی؛
- مهار تورم و ایجاد رشد پایدار اقتصادی در جهت افزایش تولید سرانه، اشتغال مولد و کاهش وابستگی اقتصادی همراه با تلاش بیشتر برای خودکفایی محصولات راهبردی کشاورزی؛
- برطرف کردن ضعف در مدیریت واردات و جلوگیری از وابستگی‌های مفرط به نظام سلطه و مقابله با مشکلات به وجود آمده در این باره از تحریم؛
- کاهش وابستگی اقتصاد به نفت از طریق تقویت صادرات غیرنفتی برای کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد ملی؛
- تقویت تولید ملی از طریق رفع موانع سرمایه‌گذاری داخلی و صادرات در راستای مساعدسازی اوضاع اقتصادی کشور و رفع تهدیدات اقتصادی؛

- ایجاد فضای مناسب کسب و کار در راستای گسترش تولید و رونق اقتصادی و عدم وابستگی به تولیدات جهانی؛
- رفع ضعف‌های اقتصادی از طریق ایجاد ظرفیت خوداتکایی در داخل در جهت تهدیدزدایی از اقتصاد ملی؛
- ایجاد تغییر در روش‌ها از طریق اصلاح بهبود مستمر در برنامه‌ها برای مقابله با تهدیدات؛
- تقویت پول ملی و مهار تورم برای مقابله با مشکلات اقتصادی و تحریم؛
- مدیریت درست فرایند پیوستن به سازمان تجارت جهانی از طریق مهیاسازی زیرساخت‌های لازم در راستای هضم نشدن در اقتصادهای برتر.

۹. جمع‌بندی نتایج

در پاسخ به پرسش پژوهش و رسیدن به هدف مورد نظر یعنی سیاست‌گذاری تجاری در شرایط تحریم مالی با توجه به نتایج موجود در جداول ۱ و ۲، این موضوع روشن شد که نقاط ضعف موجود بر نقاط قوت و فرصت‌های پیشرو نیز بر تهدیدات موجود چیرگی دارد و موقعیت استراتژیک حال حاضر در شرایط موجود تحریم مالی، موقعیت WO است. لذا از میان راهبردهای پیشنهادی، راهبردهای محافظه‌کارانه WO که در فصل قبل به آن‌ها اشاره شد، اولویت دارد. برای درک بهتر از اولویت‌های پیشروی سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در شرایط تحریم مالی و با توجه قرار گرفتن وضعیت موجود در موقعیت WO، فرصت‌ها و نقاط ضعف کشور بر حسب رتبه‌بندی حاصل از آزمون فریدمن در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۳. نتایج رتبه‌بندی نقاط ضعف و فرصت‌های اقتصاد و تجارت جمهوری اسلامی ایران

ترتیب	نقاط ضعف اقتصاد و تجارت ج.ا.ایران	ترتیب	فرصت‌های اقتصاد و تجارت ج.ا.ایران
۱	سهم بالای دولت در اقتصاد	۱	حضور در یکپارچگی‌ها و پیمان‌های تجاری منطقه‌ای
۲	تورم مزمن	۲	پهناوری و گستردگی سرزمینی و امکان مبادلات تجاری حداقل با ۱۵ کشور
۳	نبود دیپلماسی اقتصادی بین‌المللی		
۴	نبود بخش خصوصی مستقل و قدرتمند		

ادامه جدول ۳. نتایج رتبه‌بندی نقاط ضعف و فرصت‌های اقتصاد و تجارت جمهوری اسلامی ایران

ترتیب	نقاط ضعف اقتصاد و تجارت ج.ا.ایران	ترتیب	فرصت‌های اقتصاد و تجارت ج.ا.ایران
۵	بانک محور بودن نظام مالی	۳	قدرت الهام بخشی انقلاب اسلامی و گرایش مردم منطقه به آرمان‌ها و ارزش‌های آن
۶	تک‌محصولی بودن و خام فروشی نفت		
۷	سرکوب نرخ ارز		
۸	نرخ بیکاری بالا		
۹	نبود شفافیت در زمینه‌های مالیاتی	۴	دسترسی مستقیم به آب‌های آزاد
۱۰	شفاف نبودن حوزه‌های تجارت خارجی	۵	توسعه ارز دیجیتال برای تسویه حساب‌های مالی با کشورها
۱۱	ضعف بازار سرمایه (بوس و اوراق بهادار)	۶	نیاز عراق، سوریه و افغانستان به بازسازی
۱۲	ضعف شرایط و سیاست‌های کنترل اقتصاد غیررسمی و قاچاق	۷	فرصت ناشی از تحریم در ترمیم آسیب‌پذیری‌ها و ناکارآمدی‌های اقتصاد
۱۳	فقدان صنایع و محصولات متنوع صادراتی با ارزش افزوده بالا	۸	پیوستن به سازمان‌ها و پیمان‌های تجاری جهانی
۱۴	عدم شفافیت در حوزه‌های مالی	۹	نیازهای اقتصادی کشورهای افغانستان و آسیای میانه
۱۵	بالا بودن هزینه‌های تولید به دلیل بهره‌وری پایین	۱۰	افزایش روابط دوستانه با همسایگان
۱۶	ضعف در مدیریت و ساختار تعرفه‌های واردات	۱۱	بستن پیمان‌های پولی دوجانبه با سایر کشورها برای حذف دلار در مبادلات
۱۷	ضعف نهادهای مالی برای ایجاد شرایط مناسب تولید	۱۲	نیاز کشورهای هند، پاکستان و ترکیه به گاز
۱۸	مدیریت ضعیف درآمدهای نفتی	۱۳	امکان استفاده از حوزه‌های نفوذ قومی، فرهنگی و تمدنی در جهت اهداف اقتصادی
۱۹	وابستگی زیاد کالاهای تولیدی و صادراتی به مواد اولیه خارجی	۱۴	قرار داشتن در مسیر کریدورهای جهانی ترانزیتی شمال-جنوب و شرق-غرب
۲۰	انحرافات قیمتی نسبت به قیمت‌های جهانی در اقتصاد	۱۵	رقابت سخت کشورها و شرکت‌ها در حوزه‌های تجاری بین‌المللی
۲۱	فقدان راهبردهای مدون تجاری		

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۱۰. راهکار پیشنهادی

از آنجا که ۳ عامل دارای بیشترین رتبه در میان فرصت‌های موجود، پهناوری و گستردگی سرزمینی و امکان مبادلات تجاری حداقل با ۱۵ کشور، حضور در یکپارچگی‌ها و پیمان‌های تجاری منطقه‌ای

و قدرت الهام بخشی انقلاب اسلامی و گرایش مردم منطقه به آرمان‌ها و ارزش‌های آن است؛ و ۳ عامل دارای بیشترین رتبه در نقاط ضعف برای سهم بالای دولت در اقتصاد، تورم مزمن و نبود دیپلماسی اقتصادی بین‌المللی است، لذا قبل از هر چیز دولت باید با دیپلماسی فعال همراه با بهره‌گیری از ظرفیت‌های انقلاب اسلامی، مناسبات تجاری با کشورهای همسایه که دارای تقاضاهای مشابه تری نسبت به سایر کشورها با ما هستند را گسترش دهد و با حمایت از بخش خصوصی فعال در حوزه تجارت، شفاف‌سازی فعالیت‌های خود و مهار نقدینگی افسارگسیخته به مرور تورم را کنترل و سهم خود در اقتصاد را کاهش دهد.

در جهت رسیدن به اهداف اساسی اقتصاد و تجارت جمهوری اسلامی ایران یعنی عدالت، رشد و پیشرفت، استقلال و ثبات و امنیت؛ موقعیت استراتژیک کشور پس از اجرای راهبردهای مطلوب بیان‌شده نیاز به آزمون مجدد دارد تا بتوان با چشمانی باز و آگاه به وضعیت موجود، هر چه سریع‌تر به وضعیت مطلوب رسید و این مهم با شناخت فعلی اقتصاد و تجارت کشور، درک قوت‌ها، ضعف‌ها، تهدیدات و فرصت‌های نظام اسلامی و تبیین الگوی راهبردی و پیشنهادی اقتصاد مقاومتی با بهره‌گیری از همین علوم مقبول دنیای حاضر به دست خواهد آمد و برخلاف باور کسانی که بر این باورند تکیه بر آرمان‌ها و فقدان نهادهای مناسب موانع اصلی توسعه کشور هستند، چنانچه با برنامه‌ای صحیح، توسعه و پیشرفت چندجانبه را در اولویت قرار دارد، با وجود تمامی مشکلات نهادی، می‌توان تحت راهبرد اقتصاد مقاومتی به پیشرفت مطلوب دست یافت و همین پیشرفت اقتصادی به‌نوبه خود تسریع‌کننده و تسهیل‌کننده تحولات نهادی خواهد بود.

منابع

- خاندوزی، سید احسان؛ میرنظامی، ابراهیم (۱۳۹۸)، سنجش تأثیر پیچیدگی اقتصادی بر شاخص آسیب‌پذیری و تاب‌آوری، *دوفصلنامه جستارهای اقتصادی*، ۱۶(۳۲)، ۵۴-۷۹.
- نعمتیان، محمود؛ سالار، کاظم؛ نشاطی، فرزانه (۱۳۹۵)، تحقق اقتصاد مقاومتی مبتنی بر بازاریابی بین‌المللی، *دومین کنفرانس ملی اقیانوس مدیریت*، شیراز.
- کتابی، محمدرضا (۱۳۹۵)، *بررسی سطوح و راهبردهای جنگ اقتصادی*، قم: فرهنگستان علوم اسلامی.
- یزدانپرست، زهرا (۱۳۹۴)، *آزمون تجربی نظریه لیندر در الگوی تجارت خارجی ایران*، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۳(۶۷)، ۱۶۷-۱۶۷.
- طغیانی، مهدی؛ حسینی، سیدعقیل؛ باستانی فر، ایمان؛ حیدری، محمدرضا (۱۳۹۳)، *مقدمه‌ای بر اقتصاد تحریم (مبانی نظری و تاریخیچه تحریم در جهان و ایران)*. تهران: انتشارات نیلوفران.
- سیف، ... مراد؛ حافظیه، علی‌اکبر (۱۳۹۲)، *راهبردهای تجارت بین‌الملل اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ۱۶(۶۰)، ۲۱۶-۱۸۳.
- دینی ترکمانی، پوریا (۱۳۹۱)، *مروری بر نظریه‌های تجارت بین‌الملل*، مجله اقتصادی، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۲، ۱۰۴-۹۹.
- معلمی، سید مهدی (۱۳۹۱)، *مفهوم و اصول اقتصاد مقاومتی در آموزه‌های اقتصاد اسلامی*، اولین همایش ملی اقتصاد مقاومتی، تهران.
- وصالی، ساناز؛ ترابی، مهرنوش (۱۳۸۹)، *اثرات تحریم بانک‌ها بر اقتصاد و سیستم بانکی*، مجله پژوهشگاه اسلامی و مطالعات فرهنگی، شماره ۱۱۱، ۴۴-۳۸.
- سالواتوره، دومینیک (۱۳۸۸)، *تجارت بین‌الملل*، ترجمه حمیدرضا ارباب، تهران: نشر نی.
- گلیپین، رابرت (۱۳۸۷)، *اقتصاد سیاسی جهانی*، درک نظم اقتصاد بین‌الملل، ترجمه مهدی میر محمدی. تهران: موسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد.
- دریایی، محمدهادی؛ حق پناه، محمود (۱۳۸۷)، *تحریم اقتصادی، آثار و پیامدها، سیاست‌ها و راهکارها*، تهران: انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع).

- خادمی، سید موسی (۱۳۸۷)، بررسی و شناخت تهدیدات اقتصاد ملی و ارائه الگوی ارزیابی آن‌ها، رساله دکتری.
- غفاری، غلامرضا؛ از کیا، مصطفی (۱۳۸۶)؛ *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: نشر نی.
- صحیفه نور (۱۳۸۶)، *مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره)*، تهران، سازمان مدارک انقلاب اسلامی.
- راسخی، سعید (۱۳۸۶)، عوامل تعیین‌کننده خاص کشوری انواع تجارت درون صنعت کشورهای در حال توسعه با تأکید بر ایران، *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی* (۴۵)، ۲۲۴-۲۲۱.
- صادقی یارندی، سیف اله (۱۳۸۵)، *فرهنگ توصیفی اصطلاحات بین‌الملل و سازمان جهانی تجارت*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- هتته، بزورن (۱۳۸۱)، *تنویری توسعه و سه جهان*، ترجمه احمد موثقی، تهران: نشر قومس.
- بهکیش، محمدمهدی (۱۳۸۰)؛ *اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن*؛ تهران: انتشارات نی.
- گریفین، رابرت (۱۳۷۸)، *مروری بر جهانی شدن و گذار اقتصادی*، ترجمه محمدرضا فرزین، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- حریری اکبری، محمد (۱۳۷۸)؛ *مدیریت توسعه*، تهران: نشر قطره.
- بیانات مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای برگرفته از سایت www.leader.ir
- Salah R.Agha(2011), A Multi Criteria Crop Planning Model Based On the "Resistive Economy" Characterizing the Situation in Gaza Strip. 8th International Conference On Islamic Economics and Finance, Doha.
- Appleyard, D. R., Field, J. R. and Alfred, J. (2001), *International Economics*, Newyork:McGraw-Hill education.
- Finn, Edward(2000). *International Relations in a Changing World: A New Diplomacy?*, Perceptions, June-August.
- Arnon, J. & Weinblatt, A. (1998), Linder's Hypothesis Revisited: Income Similarity Effects for Low Income Countries. *Applied Economics Letters*, 5(10), 607-611.